مجله اقتصادی
شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵، صفحات ۳۸-۲۳

محاسبه زیان‌های ناشی از تأخیر در وصول مالیات

زهرا رفیعی‌مجد
دانشجوی دکترای مهندسی صنایع، دانشگاه تربیت‌معلم تهران (خوارزمی)
z_rmajd@yahoo.com

ثریا جلالی
دانشجوی کارشناسی‌ارشد مهندسی صنایع، مدیریت سیستم و بهره‌وری
sjalali@intamedia.ir

زهرا محضرنیا
کارشناس‌ارشد مهندسی صنایع، مدیریت سیستم و بهره‌وری
zmahzarnia@gmail.com

نقش مالیات بر درآمدهای دولت‌ها نقشی انکار ناشدنی است. بنابراین وصول به‌موقع و بدون تأخیر مالیات از مهم‌ترین اولویت‌های نهاد مالیاتی در هر کشوری است و پژوهشگران مباحث اقتصادی و مالیاتی می‌کوشند با تحلیل و بررسی تأخیرهای زمانی در جمع‌آوری مالیات و تأثیر نامطلوب این تأخیرها بر میزان درآمدهای واقعی دولت‌ها به کنترل و کاهش اثرات نامطلوب حاصله بپردازند. در این مقاله نیز با توجه به اهمیت این موضوع، پس از مرور پژوهش‌های انجام شده در این حیطه به محاسبه میزان زیان ناشی از تأخیر در وصول مالیات در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ پرداخته شده و سپس داده‌های حاصل مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و در انتها پس از نتیجه‌گیری، پیشنهاداتی جهت تحقیقات آتی ارائه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مالیات، وصول مالیات، تأخیر زمانی در وصول مالیات.

۱. مقدمه

وصول مالیات[1] یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدامات دولت‌ها جهت تأمین هزینه‌های هر کشور است. از آنجا که جمع‌آوری به‌موقع و بدون تأخیر مالیات بر برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر اقتصادی توسط دولت‌ها تأثیراتی انکار نشدنی خواهد گذاشت، توجه به این مسئله در حوزه مباحث مالیاتی حائز اهمیت بسیاری است. با این‌حال معمولاً در هنگام وصول مالیات تأخیرهایی رخ می‌دهد که بررسی زیان‌های ناشی از این امر، موضوع این پژوهش است.

1. Tax Collection

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

وقفه در وصول مالیات[1] را می‌توان به‌طور ساده تأخیر به‌وجود آمده مابین زمان تعیین شده جهت دریافت مالیات از مؤدی و زمان واقعی پرداخت مالیات توسط مؤدی بیان نمود. این تأخیر زمانی در شرایط گوناگون، اثرات مختلفی بر اقتصاد کشور خواهد گذاشت و بنابراین پیش‌بینی و برآورد وقفه‌های موجود در نظام مالیاتی هر کشور از جمله زمینه‌های تحقیقاتی کاربردی در حیطه مسائل مالیاتی محسوب می‌شود. در پژوهش حاضر نیز پس از بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق در بخش دوم، در بخش سوم به بررسی مفهوم تأخیر زمانی در وصول مالیات، انواع آن و روش‌های محاسبه ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی پرداخته شده است و سپس در بخش چهارم با استفاده از داده‌های یک دوره ۲۳ ساله، ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی پس از وقفه محاسبه شده و نتایج حاصل مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت بخش پنج، به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد برای تحقیقات آتی اختصاص یافته است.

۱-۱. مرور ادبیات

از نخستین محققینی که به بررسی مسئله وقفه در وصول مالیات پرداخت می‌توان به تانزی (۱۹۷۷)، اشاره کرد. او به بررسی رابطه نرخ تورم، درآمدها و وقفه‌های مالیاتی پرداخته است. تانزی تأخیر زمانی در وصول مالیات را فاصله بین زمانی که مالیات باید پرداخت گردد با زمانی که مالیات واقعاً پرداخت می‌شود، تعریف کرده است. از دید تانزی تأخیرهای مالیاتی مشتمل بر دو دسته هستند: تأخیرهای قانونی (پرداخت مالیات در مهلت قانونی) و تأخیرهای غیر قانونی (عدم پرداخت مالیات در مهلت قانونی) که به عقیده وی در بیشتر موارد تأخیرهای قانونی اهمیت بیشتری نسبت به تأخیرهای غیرقانونی دارند.

مورموراس و تیجرینا (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای به تحلیل تأثیر وقفه‌های مالیاتی بر ساختارهای مالیاتی پرداخته‌اند. همچنین در همان سال کریستودولاکیس (۱۹۹۴) نیز در تحقیقی تأثیرات کاهش نرخ تورم بر افزایش مالیات وصول‌شده را در کشور یونان بررسی کرده است. کریستودولاکیس معتقد است وقفه‌های موجود در وصول مالیات‌های مستقیم به‌علت دوره زمانی طولانی مابین پایان سال مالی و زمان ارزیابی و محاسبه مالیات رخ می‌دهد. در خصوص مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات بر ارزش افزوده نیز تأخیرها عمدتاً توسط شرکت‌ها و به‌دلیل جایگزینی و استفاده از مبلغ مالیات به‌عنوان سرمایه کوتاه‌مدت شرکت‌ها اتفاق می‌افتد.

1. Tax Collection Lag

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

فانتی و مانفردی (۱۹۹۴) وجود تأخیرهای زمانی در وصول مالیات را یک واقعیت انکارناپذیر دانسته‌اند. در پژوهش آنها بیان شده که شواهد تجربی نشان می‌دهند در تمام کشورها وقفه‌هایی در حصول درآمدهای دولتی اتفاق می‌افتد که با توجه به انواع گوناگون مالیات‌ها و ساختار مالیاتی هر کشور، انواع گوناگونی را شامل می‌شوند. آن‌ها همچنین در مقاله خود یک مدل اقتصادی پیوسته (*IS-LM*) با تأخیرهای وصول مالیات توزیع شده را ارائه داده‌اند.

زمانی و کلانتری (۱۳۷۸)، وقفه‌های قانونی مالیاتی را مورد کنکاش قرار داده‌اند و با ارائه یک الگو برای اندازه‌گیری وقفه‌های قانونی مالیاتی و اندازه‌گیری این وقفه‌ها در بخش‌های مالیات بر شرکت‌ها و مشاغل، تأثیرات منفی این تأخیرها بر اقتصاد ایران را بررسی نموده‌اند.

تقی‌پور (۱۳۷۸) الگویی برای تخمین وقفه‌های جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی تنظیم کرده است. نتیجه حاصل از بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش تقی‌پور حاکی از تأثیر قابل ملاحظه وقفه‌های مالیاتی بر درآمد مالیاتی کشور بوده است.

علیزاده ویلنی (۱۳۷۴) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، با استفاده از الگویی مناسب با ساختار اقتصادی ایران به کمک نمونه‌گیری خوشه‌ای از پرونده‌های مالیاتی شهر تهران به برآورد زیان‌های ناشی از تأخیر در وصول مالیات پرداخته است.

حاجی‌پور (۱۳۹۰) به مسئله اختیارات سازمان امور مالیاتی در خصوص وصول مالیات از دیدگاه حقوقی نگریسته است.

امیریوسفی و حافظی (۱۳۸۳) نیز در قالب یک مطالعه موردی در استان اصفهان به محاسبه زیان ناشی از انواع وقفه‌های مالیاتی بر ارزش درآمدهای مالیاتی پرداخته‌اند.

صمدی و تابنده (۱۳۹۲)، با کمک روش علل چندگانه- شاخص‌های چندگانه (*MIMIC*)[1] و داده‌های یک دوره ۳۷ ساله به بررسی علل و آثار و برآورد میزان فرار مالیاتی در ایران پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده حاکی از فراز و نشیب‌های شاخص فرار مالیاتی در ایران طی دوره مورد بررسی است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۲) عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات را از دیدگاه فرهنگی و با کمک رگرسیون لجستیک بررسی کرده‌اند.

نجارزاده و زارع (۱۳۸۵) نیز پس از مرور جامع ادبیات موضوع، با استفاده از داده‌های یک دوره ۲۱ ساله کشش و وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران را برآورد کرده و پیشنهاداتی جهت کاهش وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها درکوتاه‌مدت ارائه داده‌اند.

1. Multiple Indicators Multiple Causes

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۲. تأخیرهای زمانی در وصول (جمع‌آوری) مالیات

۲-۱. جمع‌آوری مالیات

بدون شک، اصلی‌ترین وظیفه هر نهاد مالیاتی جمع‌آوری مالیات است. فرایند جمع‌آوری مالیات در یک نظام مالیاتی کارآمد با مشارکت سه جزء اصلی قانون مالیاتی، سازمان مالیاتی و مؤدیان مالیاتی انجام می‌شود (زمانی، ۱۳۷۸).

در ایران نیز فرایند مالیات‌ستانی از طریق اظهارنامه مالیاتی آغاز می‌شود و پس از طی مراحل گوناگون، با وصول مالیات خاتمه می‌یابد (باباجانی، ۱۳۹۳).

لازم به ذکر است که مهم‌ترین بخش از اقداماتی که به‌منظور وصول مالیات انجام می‌شود، مسئله تشخیص مالیات است (طالب‌نیا، ۱۳۹۰).

به‌طور خلاصه، روش‌های وصول مالیات در ایران را می‌توان به‌ترتیب زیر فهرست نمود (ظریف‌گلزار، ۱۳۸۸):

- روش خود اظهاری
- روش مشارکت و همکاری با سازمان امور مالیاتی
- روش وصول مالیات از طریق مالیات‌های تکلیفی
- روش وصول مالیات به‌وسیله مأموران سازمان امور مالیاتی
- روش پرداخت داوطلبانه
- روش‌های قهرآمیز وصول مالیات
- روش وصول مالیات از طریق تخفیف و بخشودگی عمومی مالیاتی
- روش ابطال تمبر
- روش تهاتر مطالبات اشخاص با بدهی مالیاتی آن‌ها
- روش تقسیط بدهی‌های مالیاتی
- روش بخشیدن جرایم مالیاتی
- روش ایجاد محدودیت (مانند ممنوع‌الخروجی و ...) برای مؤدیان مالیاتی
- روش ابداعی توسط مأموران تشخیص مالیات

وصول مالیات را می‌توان از منظر زمانی به دو دسته وصول فوری و وصول مؤجل و به‌شرح زیر تفکیک نمود (رستمی و کتابی‌رودی، ۱۳۹۲).

- وصول فوری: بیشتر در مورد مالیات‌های غیرمستقیم مصداق پیدا می‌کند که در آن‌ها اصل بر فوری بودن مالیات است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- وصول مؤجل: بیشتر به مالیات‌های مستقیم مربوط است؛ چرا که این نوع مالیات‌ها باید در زمان‌های مشخص که قانون تعیین می‌کند، پرداخت گردند (اشاره به این نکته الزامی است که حتی در خصوص مالیات‌های مؤجل نیز پس از اینکه مالیات قطعی شد، می‌بایست فوراً و یکجا مالیات پرداخت گردد و مؤجل بودن مالیات تنها در زمان تشخیص مالیات مطرح است و نه مرحله وصول آن).

از آنجا که مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت محسوب می‌شود، دریافت سریع و به‌موقع آن می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا به‌نحو بهتری به انجام خدمات عمومی بپردازند، رستمی و کتابی‌رودی (۱۳۹۲). به این دلیل تأخیر در جمع‌آوری مالیات همواره مسئله‌ای نامطلوب قلمداد شده است و سازمان‌های مالیاتی تلاش کرده‌اند که به مقابله با این پدیده بپردازند. با این همه، تقریباً در همه کشورها مالیات‌ها با وقفه وصول می‌شوند (نجارزاده، ۱۳۸۵).

در نظام مالیاتی ایران نیز مسئله تأخیر در وصول مالیات از موضوعات مهمی است که در سال‌های اخیر مورد توجه بوده است. پژوهش حاضر نیز در پی محاسبه زیان‌های ناشی از این معضل در نظام مالیاتی کشور است.

۲-۲. انواع وقفه‌های زمانی در جمع‌آوری مالیات

زمانی و کلانتری (۱۳۷۸) تأخیرهای زمانی در جمع‌آوری مالیات (وقفه‌های مالیاتی) را به سه بخش تفکیک نموده‌اند:

۲-۲-۱. وقفه‌های قانونی[1]

منظور از این نوع وقفه‌ها، فاصله زمانی مابین موعد مقرر قانونی پرداخت مالیات تا زمان تحقق درآمد مشمول مالیات است. این وقفه‌ها تنها در حدود تعیین حداقل مهلت لازم برای پرداخت بدهی مالیاتی پس از تحقق درآمد قابل قبول هستند. از لحاظ تقدم و تأخر زمان، وقفه‌های قانونی مقدم بر سایر وقفه‌ها هستند.

۲-۲-۲. وقفه‌های غیرقانونی[2]

این تأخیرها مربوط به تلاش مؤدیان مالیاتی در جهت فرار مالیاتی[3] و نیز به تعویق انداختن پرداخت بدهی‌های مالیاتی و استفاده از منافع حاصل از این تأخیر به‌ویژه در شرایط تورمی هستند (فرار مالیاتی

1. Legal lag
2. Illegal lag
3. Tax Evasion

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

اقدام نادرستی است که به‌موجب آن مالیات‌دهندگان تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای غیرقانونی، بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند) (مرادی، ۱۳۹۲).

در تعریف دیگری، فرار مالیاتی کاهش عمدی سود مشمول مالیات ابرازی به‌منظور افزایش ارزش شرکت معرفی می‌شود (فروغی و همکاران، ۱۳۹۱).

از جمله متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر فرار مالیاتی می‌توان به نرخ مالیات و بار مالیاتی، درآمد مالیات‌دهندگان، نرخ های تورم و بیکاری، آزادسازی تجارت و ... اشاره کرد، همچنین تأثیر مثبت نرخ تورم بر فرار مالیاتی به اثبات رسیده است (صمدی، ۱۳۹۲).

۲-۲-۳. سایر وقفه‌ها

این بخش از وقفه‌های مالیاتی عملاً در حد فاصل بین وقفه‌های قانونی و غیرقانونی قرار می‌گیرند. این وقفه‌ها از یک‌سو ناشی از مهلت‌های قانونی اعطایی به مأموران و حتی مؤدیان مالیاتی در مراحل مختلف هستند و از سوی دیگر عدم اقدام به‌موقع مأموران مالیاتی در خصوص این مراحل، دلیل این وقفه‌هاست.

به‌طور خلاصه و به بیانی دیگر، وقفه قانونی فرصتی است که قانون‌گذار به مؤدیان مالیاتی می‌دهد که اگر مؤدیان مالیات تعلق‌گرفته را (از زمان تحقق درآمد مشمول مالیات) در آن مدت زمان معین بپردازند مشمول جریمه نمی‌شوند، اما چنانچه مالیات متعلقه با وقفه‌ای غیر از وقفه قانونی پرداخت گردد در آن صورت اصطلاحاً وقفه غیرقانونی اتفاق افتاده است که صرفاً نتیجه قصور و کوتاهی مؤدیان مالیاتی و مشکلات اجرایی ناشی از ساختار نظام مالیاتی می‌باشد. در این صورت مؤدی علاوه بر پرداخت اصل مالیات ملزم به پرداخت نوعی جریمه نیز می‌گردد (نجارزاده، ۱۳۸۵).

۲-۳. زیان‌های ناشی از وجود وقفه‌های زمانی در وصول مالیات

از آنجا که نخستین هدف از وضع و جمع‌آوری مالیات، تأمین مالی هزینه‌های دولتی است (قربانی، ۱۳۸۹). یکی از اصلی‌ترین زیان‌های حاصل از تأخیر قانونی در پرداخت مالیات، کاهش ارزش واقعی درآمدهای وصولی دولت است. انواع دیگری از عواقب منفی وجود وقفه در جمع‌آوری مالیات را می‌توان به‌صورت زیر فهرست نمود (زمانی، ۱۳۷۸):

- کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی
- تبعیض میان مؤدیان مالیاتی
- کاهش انگیزه پرداخت مالیات
- فشار مالی و روانی ناشی از عدم تخصیص بدهی مالیاتی از درآمدهای هر دوره
- تغییر نتایج محاسبات کشش مالیاتی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- کسری بودجه و تشدید تورم

۲-۳-۱. محاسبه زیان‌های ناشی از وقفه‌های مالیاتی

با مطالعه پژوهش‌های انجام شده در حیطه تأخیرهای زمانی در وصول مالیات مشاهده می‌شود که اثر منفی وقفه‌های مالیاتی بر درآمدهای دولت، بیش از باقی آثار منفی این وقفه‌ها توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. از این‌رو در این مقاله نیز بر این مسئله تأکید می‌شود.

افزایش یا کاهش درآمد حقیقی ناشی از مالیات در یک فاصله زمانی معین، به سه عامل کشش[1] قیمتی درآمد مالیاتی، نرخ تورم و وقفه در جمع‌آوری مالیات بستگی دارد (تقی پور، ۱۳۷۸).

از آنجاکه کشش قیمتی درآمدهای مالیاتی ممکن است کمتر، بیشتر یا مساوی یک باشد، درآمدهای حقیقی مالیاتی ممکن است کاهش یا افزایش داشته باشند یا بدون تغییر باقی بمانند. برای مثال جدول زیر رابطه میان کشش مالیاتی و وقفه در وصول مالیات را در کشورهای درحال توسعه و صنعتی نشان می‌دهد (نجارزاده، ۱۳۸۵).

جدول ۱. رابطه میان کشش مالیاتی و وقفه در وصول مالیات

کشش	وقفه در جمع‌آوری مالیات	
	طولانی	کوتاه
۱>	در کشورهای در حال توسعه	---
۱=	در کشورهای در حال توسعه	در کشورهای صنعتی
۱<	---	در کشورهای صنعتی

مأخذ: نجارزاده (۱۳۸۵).

تقی‌پور (۱۳۷۸) در پژوهش خود، با فرض یک بودن کشش قیمتی مالیات[2]، تأثیر وقفه در جمع‌آوری مالیات و نرخ تورم بر روی مقدار حقیقی یک واحد از درآمد مالیاتی را از طریق حل معادله زیر تخمین زده است:

1. Elasticity

کشش: درصد تغییر در یک متغیر نسبت به درصد تغییر در سایر عوامل مؤثر بر آن متغیر کریستودولاکیس (۱۹۹۴)و فنتی و مانفردی (۲۰۰۷).

۲. این فرض بیانگر این است که تورم به خودی خود، در نبود هر عامل دیگری موجب کاهش یا افزایش درآمد حقیقی مالیات نخواهد شد. فرض یک بودن کشش قیمتی برای نظام مالیاتی کشورهای در حال توسعه، همچنین برای کشورهای پیشرفته‌ای که در آن‌ها مالیات بر درآمد اشخاص چندان بالا نیست، فرض موجهی است تقی پور (۱۳۸۷).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

$$R = \frac{1}{(1+p)^n} = \frac{1}{(1+\pi)^{\frac{n}{12}}} \quad (۱)$$

که در آن:

R: مقدار حقیقی و ارزش در حال حاضر یک واحد از درآمد مالیاتی که در n دوره بعد دریافت خواهد شد.

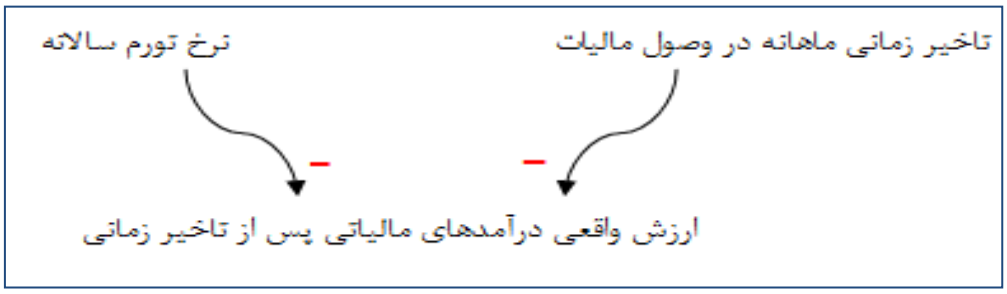
p: نرخ تورم ماهانه

n: طول وقفه (برحسب ماه)

π: نرخ تورم سالانه می‌باشند.

به این ترتیب اگر نرخ تورم ماهانه ۱۰ درصد و وقفه جمع‌آوری مالیات صفر باشد، تورم مقدار حقیقی درآمدهای مالیاتی را کاهش نخواهد داد، اما اگر با این نرخ تورم یک ماه وقفه در جمع‌آوری مالیات رخ دهد، مقدار حقیقی مالیات ۹ درصد کاهش می‌یابد. به‌عبارت دیگر ۹ درصد از ارزش مالیات تا زمانی که واقعاً به‌دست دولت می‌رسد، از دست خواهد رفت. با استفاده از فرمول به‌راحتی می‌توان نتیجه گرفت که با صفر بودن هرکدام از دو عامل نرخ تورم و وقفه مالیاتی، عامل دیگر نمی‌تواند تأثیری روی درآمد حقیقی مالیات‌های دولت داشته باشد.

بر این اساس در شرایط یک بودن کشش قیمتی مالیات، تأثیر نرخ تورم سالانه (بزرگتر از صفر) و تأخیر زمانی ماهانه (بزرگتر از صفر) در وصول مالیات بر ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی پس از تأخیر زمانی را می‌توان به‌طور خلاصه و با نمودار زیر نشان داد:



نمودار ۱. رابطه میان ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی پس از تأخیر زمانی با دو عامل نرخ تورم و میزان تأخیر زمانی

این نمودار به این معنا است که هر کدام از عوامل نرخ تورم سالانه و تأخیر زمانی ماهانه، رابطه‌ای معکوس با ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی دارند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

اگر درآمد مالیاتی به پایه آن بستگی داشته باشد، برای بررسی تأثیر وقفه‌های جمع‌آوری مالیات و نرخ تورم بر مقدار حقیقی درآمدهای مالیاتی می‌توان از رابطه معرفی‌شده توسط تانزی و به‌صورت زیر بهره برد: تقی پور(۱۳۸۷) و علیزاده ویلنی(۱۳۷۴).

$$R(0) = \frac{R(\pi)_t}{(1+\pi)^n} \quad (۲)$$

که در آن:

$R(\pi)_t$: مقدار درآمد اسمی مالیات که در زمان t توسط مؤدی پرداخت می‌شود.

$R(0)$: مقدار حقیق (ارزش حال) درآمد مالیاتی $R(\pi)$ که بعد از n دوره توسط دولت دریافت خواهد شد.

n: متوسط وقفه جمع‌آوری مالیات بر حسب سال

π: نرخ تورم سالانه، می‌باشند.

زمانی و کلانتری (۱۳۷۸) نیز به‌منظور محاسبه زیان حاصل از وقفه‌های قانونی از روش خالص ارزش کنونی درآمدهای آتی فرمول تانزی را با نوتاسیون متفاوتی و به‌صورت زیر استفاده کرده‌اند:

$$T_R = \frac{T_N}{(1+P)^{\frac{L}{12}}} \quad (۳)$$

که در آن:

T_R : ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی پس از وقفه قانونی

T_N : ارزش اسمی درآمد مالیاتی در پایان دوره مطلوب N (که پس از L دوره وقفه قانونی وصول شده است.)

P : نرخ تورم سالانه

L : مدت وقفه قانونی بر حسب ماه هستند.

زیان حاصل از وقفه‌های قانونی از طریق دو رابطه زیر محاسبه شده است:

$$T_L = T_N - T_R \quad (۴)$$

$$t_L = \frac{T_L}{T_N} \quad (۵)$$

که در این دو رابطه، T_L میزان کاهش ارزش واقعی درآمدهای مالیات ناشی از وقفه قانونی و t_L زیان حاصل از وقفه به‌صورت نسبتی از درآمد مالیاتی وصول‌شده هستند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

نجارزاده و زارع (۱۳۸۵) نیز رابطه میان درآمدهای حقیقی مالیاتی و تأخیر زمانی در وصول مالیات را از رابطه زیر محاسبه کرده‌اند:

$$R_0 = \frac{T_0}{p_0(1+p^0)^n} \qquad (۶)$$

که در آن:

T_0: ارزش اسمی مالیات در دوره صفر

R_0: ارزش حقیقی درآمد مالیاتی در دوره صفر که در n دوره بعد دریافت خواهد شد.

p_0: سطح عمومی قیمت‌ها در زمان صفر

n: طول وقفه برحسب ماه

p^0: نرخ تورم هستند.

۳. محاسبه زیان‌های ناشی از وقفه مالیاتی در ایران

پس از بررسی روش‌های مطرح‌شده در پژوهش‌های پیشین به‌منظور محاسبه زیان‌های ناشی از وقفه‌های مالیاتی (روابط (۱) تا (۶))، در این بخش با استفاده از نرخ تورم سالانه اعلام‌شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به محاسبه و بررسی زیان حاصل از تأخیرهای زمانی در وصول مالیات در یک دوره ۲۳ ساله (از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۲) می‌پردازیم. به این منظور و برای محاسبه ارزش واقعی یک واحد درآمد مالیاتی پس از تأخیر زمانی صفر تا ۱۲ ماهه، از معادله (۱) ارائه‌شده توسط تقی‌پور (۱۳۷۸)، استفاده شده و نتایج (گرد شده تا دو رقم اعشار) در جدول (۲) آورده شده‌اند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جدول ۲. ارزش واقعی یک واحد درآمد مالیاتی پس از تأخیر زمانی ۰ تا ۱۲ ماهه، طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲

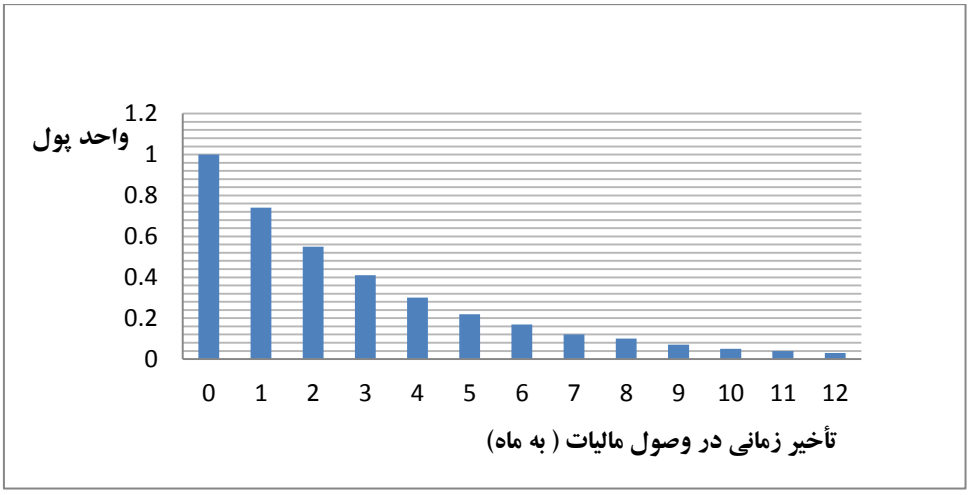
سال	نرخ تورم	تأخیرهای زمانی در وصول مالیات (به ماه)											
		۰	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳۷۰	۲۷/۷	۱	۰/۷٥	۰/٥۷	۰/٤۳	۰/۳۳	۰/۲٥	۰/۱۹	۰/۱٤	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰٦	۰/۰٥	۰/۰۳
۱۳۷۱	۲٤/٤	۱	۰/۷٦	۰/٥۸	۰/٤٤	۰/۳٤	۰/۲٦	۰/۱۲	۰/۱٥	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰٥	۰/۰٤
۱۳۷۲	۲۲/۹	۱	۰/۷۷	۰/٥۹	۰/٤٥	۰/۳٥	۰/۲۷	۰/۲۰	۰/۱٦	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰٥	۰/۰٤
۱۳۷۳	۳٥/۲	۱	۰/۷٤	۰/٥٥	۰/٤۱	۰/۳۰	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰٥	۰/۰٤	۰/۰۳
۱۳۷٤	٤۹/٤	۱	۰/۷۲	۰/٥۲	۰/۳۷	۰/۲۷	۰/۱۹	۰/۱٤	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰٥	۰/۰٤	۰/۰۳	۰/۰۲
۱۳۷٥	۲۳/۲	۱	۰/۷۷	۰/٥۸	۰/٤٥	۰/۳٤	۰/۲٦	۰/۲۰	۰/۱٥	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰٥	۰/۰٤
۱۳۷٦	۱۷/۳	۱	۰/۷۸	۰/٦۲	۰/٤۸	۰/۳۸	۰/۳۰	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۱٤	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰٥
۱۳۷۷	۱۸/۱	۱	۰/۷۸	۰/٦۱	۰/٤۸	۰/۳۷	۰/۲۹	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۱٤	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۰٥
۱۳۷۸	۲۰/۱	۱	۰/۷۷	۰/٦۰	۰/٤۷	۰/۳٦	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰٦	۰/۰٥
۱۳۷۹	۱۲/٦	۱	۰/۸۰	۰/٦٥	۰/٥۲	۰/٤۲	۰/۳٤	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۱٤	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷
۱۳۸۰	۱۱/٤	۱	۰/۸۱	۰/٦٦	۰/٥۳	۰/٤۳	۰/۳٥	۰/۲۸	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۱٥	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۰۸
۱۳۸۱	۱٥/۸	۱	۰/۷۹	۰/٦۳	۰/٥۰	۰/٤۰	۰/۳۲	۰/۲٥	۰/۲۰	۰/۱٦	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰٦
۱۳۸۲	۱٥/٦	۱	۰/۷۹	۰/٦۳	۰/٤۹	۰/۳۹	۰/۳۱	۰/۲٤	۰/۱۹	۰/۱٥	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰٦
۱۳۸۳	۱٥/۲	۱	۰/۷۹	۰/٦۳	۰/٥۰	۰/۳۹	۰/۳۱	۰/۲٥	۰/۲۰	۰/۱٦	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰٦
۱۳۸٤	۱۰/٤	۱	۰/۸۲	۰/٦۷	۰/٥٤	۰/٤٤	۰/۳٦	۰/۳۰	۰/۲٤	۰/۲۰	۰/۱٦	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۰۹
۱۳۸٥	۱۱/۹	۱	۰/۸۰	۰/٦٥	۰/٥۳	۰/٤۳	۰/۳٤	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۱٥	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۰۸
۱۳۸٦	۱۸/٤	۱	۰/۷۸	۰/٦۱	۰/٤۸	۰/۳۷	۰/۳۰	۰/۲۳	۰/۱۸	۰/۱٤	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰٦	۰/۰٥
۱۳۸۷	۲٥/٤	۱	۰/۷٦	۰/٥۸	۰/٤٤	۰/۳۳	۰/۲٥	۰/۱۹	۰/۱٥	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰٦	۰/۰٥	۰/۰٤
۱۳۸۸	۱۰/۸	۱	۰/۸۱	۰/٦٦	۰/٥٤	۰/٤٤	۰/۳٦	۰/۲۹	۰/۲٤	۰/۱۹	۰/۱٦	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۸
۱۳۸۹	۱۲/٤	۱	۰/۸۰	۰/٦٥	۰/٥۲	۰/٤۲	۰/۳٤	۰/۲٤	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۱٤	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۷
۱۳۹۰	۲۱/٥	۱	۰/۷۷	۰/٥۹	۰/٤٦	۰/۳٥	۰/۲۷	۰/۲۱	۰/۱٦	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰٦	۰/۰٤
۱۳۹۱	۳۰/٥	۱	۰/۷٥	۰/٥٦	۰/٤۲	۰/۳۲	۰/۲٤	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰٦	۰/۰٤	۰/۰۳
۱۳۹۲	۳٤/۷	۱	۰/۷٤	۰/٥٥	۰/٤۱	۰/۳۰	۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۰٥	۰/۰٤	۰/۰۳

مأخذ: نتایج تحقیق.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در شرایطی که حتی تأخیر زمانی ناچیزی (یک ماه) وجود داشته باشد، ارزش واقعی درآمدهای حاصل از مالیات کاهش خواهد یافت و میزان این کاهش با افزایش نرخ تورم بیشتر خواهد شد.

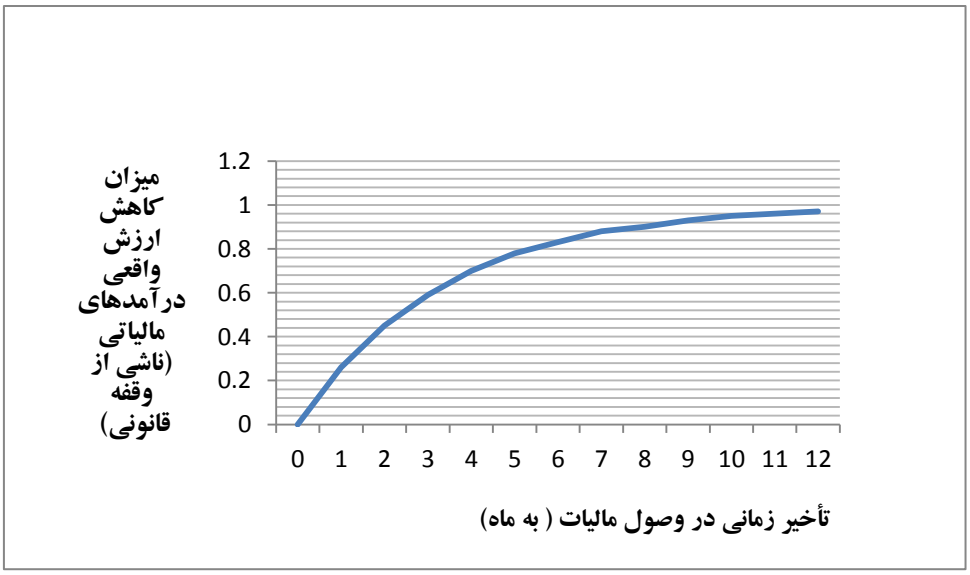
[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

به‌منظور تحلیل دقیق‌تر داده‌های جدول (۲)، نمودار (۲) مقدار حقیقی یک واحد درآمد مالیاتی به‌ازای وقفه‌های مالیاتی ۰ تا ۱۲ ماهه در سال ۱۳۹۲ را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. مقدار حقیقی یک واحد درآمد مالیاتی در سال ۱۳۹۲ به‌ازای وقفه‌های مالیاتی متفاوت

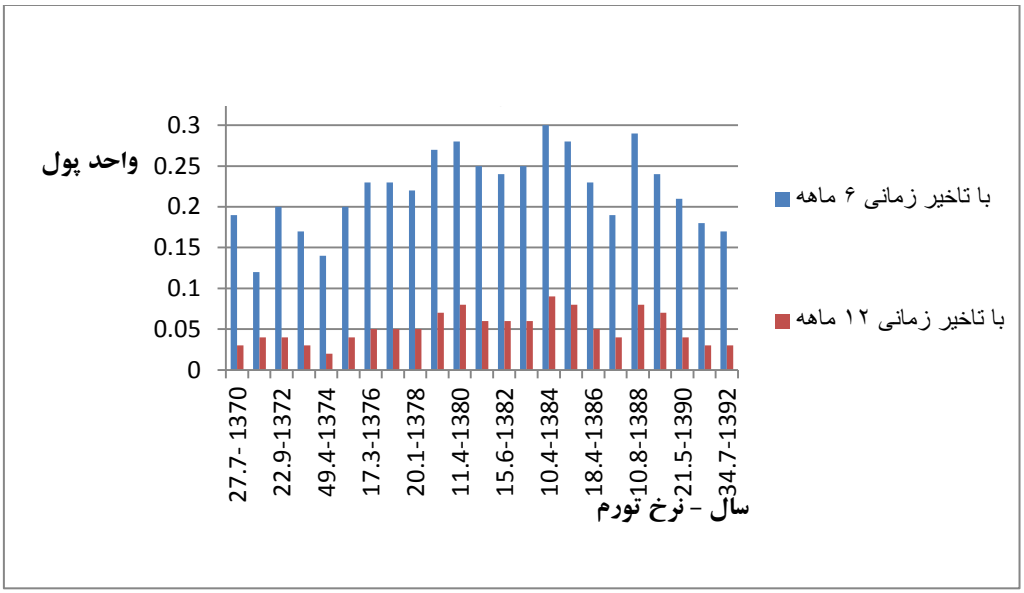
همانگونه که مشاهده می‌شود با افزایش تأخیر زمانی در وصول مالیات، میزان ارزش واقعی یک واحد درآمد مالیاتی به طرز معناداری کم خواهد شد. همچنین با استفاده از معادلات (۴) و (۵)، زیان حاصل از این تأخیرهای زمانی در سال ۱۳۹۲ را نیز می‌توان با نمودار (۳) نشان داد که مؤید نتیجه حاصل از نمودار (۲) می‌باشد.



نمودار ۳. زیان حاصل از وقفه مالیاتی طی سال ۱۳۹۲

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

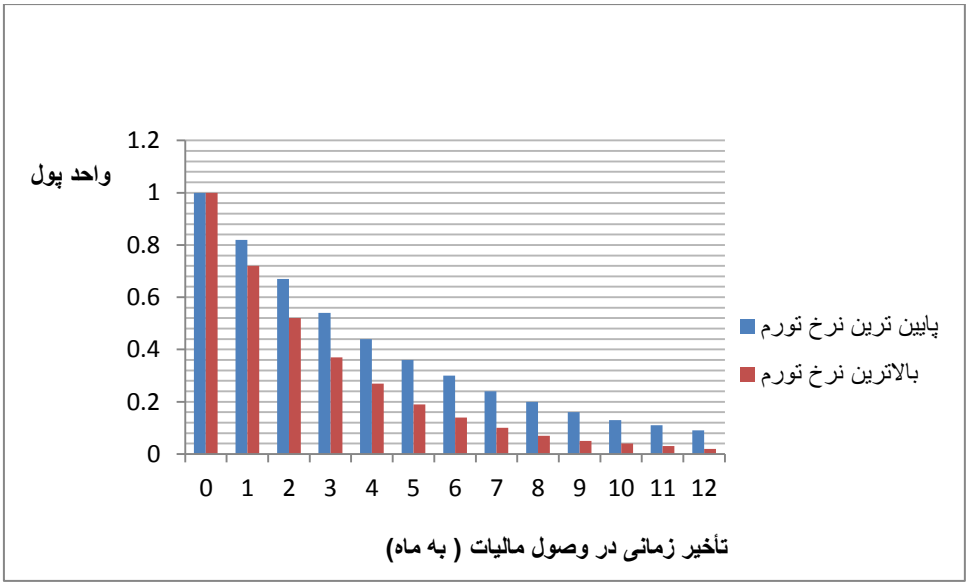
نمودار زیر تفاوت میان تأثیر تأخیرهای زمانی ۶ و ۱۲ ماهه بر ارزش واقعی درآمد مالیاتی در دوره ۲۳ ساله مورد بررسی را نشان می‌دهد. همانگونه که انتظار می‌رود با دو برابر شدن وقفه زمانی در وصول مالیات از ۶ ماه به ۱۲ ماه، ارزش درآمد مالیاتی (با ضریب $\frac{1}{(1+\pi)^{\frac{1}{2}}}$) کاهش خواهد یافت.



نمودار ٤. مقدار حقیقی یک واحد درآمد مالیاتی در شرایط وجود تأخیر زمانی ٦ ماهه و ۱۲ ماهه در وصول مالیات

و در نهایت، در نمودار (۵) پایین‌ترین و بالاترین نرخ تورم در دوره زمانی مورد بررسی (به‌ترتیب ۱۰/۴ و ۴۹/۴) مبنای مقایسه ارزش واقعی یک واحد درآمد مالیاتی پس از تأخیرهای زمانی صفر تا ۱۲ ماهه قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]



نمودار ۵. مقایسه مقدار حقیقی یک واحد درآمد مالیاتی در دو حالت پایین‌ترین و بالاترین نرخ تورم

٤. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات برای تحقیقات آتی

عوامل مؤثر بر مالیات به سه گروه عمده عوامل آماری، عوامل اجتماعی، نهادی و عوامل سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند. وقفه در جمع‌آوری مالیات از جمله عوامل اجتماعی و نهادی به‌شمار می‌رود (تقی‌پور، ۱۳۷۸). جمع‌آوری سریع‌تر درآمدهای مالیاتی به‌دلیل اجتناب از کاهش درآمد واقعی دولت منجر به بهبود تراز مالی آن و بهبود ساختار سیاست‌های مالی خواهند شد. این نتیجه برای هر سه نوع وقفه در وصول مالیات، برقرار است (زمانی، ۱۳۷۸). برخی از پیشنهادهایی که به‌منظور مقابله با آثار منفی تأخیر در وصول مالیات مطرح شده است را می‌توان به‌صورت زیر فهرست نمود: تقی‌پور(۱۳۸۷)، علیزاده ویلنی(۱۳۷۴) و نجارزاده و زارع (۱۳۸۵)

- اعمال جریمه‌هایی بیشتر از میزان زیان درآمدی دولت
- شاخص‌بندی مالیات تشخیص داده‌شده با توجه به نرخ تورم
- گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق حذف معافیت‌های غیرضروری به‌جای افزایش نرخ‌ها
- کاهش مهلت مقرر برای تسلیم اظهارنامه مالیاتی
- کاهش مدت تقسیط بدهی مالیاتی و منطقی نمودن روش تقسیط با هدف حفظ ارزش درآمدهای مالیاتی
- مکانیزه نمودن سیستم مالیاتی به‌منظور دسترسی به اطلاعات کامل و شفاف

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

- تدوین برنامه جامع رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی جهت استفاده بهینه از توان تخصصی کادر تشخیص
- اعمال سیاست پیش‌پرداخت مالیاتی (تجربه آرژانتین)
- اعمال نرخ بهره و جرایم متناسب با میزان بدهی و تأخیرها و همچنین اعطای تشویقات مناسب جهت پرداخت زودتر مالیات
- برآورد و پرداخت علی‌الحساب (ماهانه یا هر سه ماه یکبار، تجربه فرانسه)
- برقراری مالیات‌های جدید با تأخیر کم مانند مالیات بر ارزش افزوده که در این میان می‌تواند تأخیر را به حداقل برساند.
- پرداخت مالیات بر اساس درآمد تعدیل‌شده یا نرخ‌های تعدیل‌شده یا شاخصی کردن بدهی‌های مالیاتی

در مقاله حاضر نیز پس از بررسی ادبیات موضوع و روش‌های ارائه‌شده جهت برآورد و محاسبه زیان‌های ناشی از تأخیرهای زمانی وصول مالیات، با توجه به نرخ تورم سالانه حد فاصل سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ به محاسبه ارزش واقعی یک واحد درآمد مالیاتی پس از وقفه زمانی ۰ تا ۱۲ ماهه پرداخته شد و سپس تحلیل‌هایی بر مبنای محاسبات انجام‌شده صورت گرفت تا تأثیر نرخ تورم و نیز مدت‌زمان تأخیر در وصول مالیات، بر درآمد حاصل از مالیات بررسی شود.

با توجه به نکات مطرح‌شده، پژوهش‌های آتی را می‌توان بر مقایسه کارایی روش‌های ذکر شده جهت کاهش تأثیر مخرب تأخیرهای زمانی در وصول مالیات بر ارزش واقعی درآمدهای مالیاتی متمرکز نمود و با پیاده‌سازی این روش‌ها در محیط‌های واقعی نتایج ملموسی از عملکردشان ارائه داد.

منابع

زمانی، احمد و محسن کلانتری (۱۳۷۸)"اندازه‌گیری وقفه‌های قانونی مالیاتی و آثار منفی آن در ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۱، پاییز، صص ۸۷-۶۷.

تقی‌پور، انوشیروان (۱۳۷۸) "وقفه‌های جمع‌آوری مالیات، تورم و درآمدهای مالیاتی حقیقی دولت "، مجله برنامه‌وبودجه، شماره ۴۲، صص ۲۶-۳.

علیزاده‌ویلنی، انوش (۱۳۷۴)، *برآورد زیان‌های ناشی از تأخیر وصول مالیات*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، *دانشکده* علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، بهمن ماه.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

امیریوسفی، خالد و بهار حافظی (۱۳۸۳)،"اندازه گیری تأثیر تورم و وقفه‌های قانونی بر ارزش درآمدهای مالیاتی: مطالعه موردی استان اصفهان"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۳۱ ، پاییز، صص ۵۲-۲۹.

باباجانی، جعفر (۱۳۹۳)،" نقش اطلاعات حسابداری در تسریع فرایند مالیات‌ستانی ازدیدگاه کارشناسان ارشد مالیاتی"، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال۳، شماره ۱۲، تابستان، صص ۲۰ -۱.

حاجی‌پور، مجید (۱۳۹۰)، *بررسی حقوق و اختیارات سازمان مالیاتی در مرحله تشخیص و وصول مالیات*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق، پاییز.

رستمی ولی و احمد کتابی‌رودی (۱۳۹۲)، "اختیارات و اقتدارات دستگاه مالیاتی، زمان و شیوه وصول مالیات (مطالعه موردی دو کشور ایران و انگلستان)"، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۳۵- ۱۹.

صمدی علی‌حسین و رضیه تابنده (۱۳۹۲)، "فرار مالیاتی در ایران (بررسی علل و آثار و برآورد میزان آن)"، *پژوهشنامه مالیات*، شماره ۱۹، مسلسل ۶۷، پاییز، صص ۱۰۶ - ۷۷ .

طالب‌نیا، قدرت‌ا... و رحمان موثق (۱۳۹۰)،"علل عمده وجود اختلاف مابین سود ابزاری و سود مشمول مالیات قطعی‌شده اشخاص حقوقی"، *پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی*، سال ۳، شماره ۱۱، پاییز، صص ۱۵۴ - ۱۳۳.

فروغی، داریوش؛ میرزایی، منوچهر و امیر رسائیان (۱۳۹۱)،" تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران "، *پژوهشنامه مالیات*، شماره ۱۳، مسلسل ۶۱، بهار، صص ۱۰۱ - ۷۱.

قربانی، صابر (۱۳۸۹)، "نگاهی به فرهنگ مالیاتی در ایران"، *مجله تدبیر*، شماره ۲۱۹، مرداد، صص ۴۲- ۳۵.

مرادی مهدی؛ رستمی، امین و رضا تقی‌زاده (۱۳۹۲)،" بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی"، *پژوهشنامه* مالیات، شماره ۱۸ ، مسلسل ۶۶، تابستان، صص ۲۰۱ - ۱۸۱.

گلزار، ظریف‌علی (۱۳۸۸)، " راهکارهای قانونی وصول مالیات"، *حسابدار* رسمی، دوره جدید، شماره ۸، زمستان، صص ۶۷ - ۶۴.

نجارزاده، رضا و حمیدرضا زارع (۱۳۸۵)،" برآورد کشش و وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ۶، شماره ۳، پاییز ، صص ۶۹-۴۹.

Christodoulakis, Nicos M. (1994), "Tax Collection lags and the Revenue-Maximizing Inflation", *Empirical*, Vol. 19, Issue 3, PP. 329-342.

Fanti, Luciano & Piero Manfredi (2007), "Chaotic Business Cycles and Fiscal Policy: an IS-LM Model with Distributed Tax Collection Lags", Chaos, Solitons and Fractals, Vol. 32, PP.736–744.

Mourmouras, Alex & José A. Tijerina (1994), "Collection Lags and the Optimal Inflation Tax: A Reconsideration", Staff Papers (International Monetary Fund), Vol. 41, No. 1, Mar, PP. 30-54.

Tanzi, Vito (1977), "Inflation, Lags in Collection, and the Real Value of Tax Revenue", Staff Papers (International Monetary Fund), Vol. 24, No. 1, Mar, PP. 154-167.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]